

## بررسی مقایسه‌ای رابطه‌ی بین ابعاد هویت با رضایت از زندگی در دانشجویان دانشگاه فرهنگیان

سیمین غلامرضایی<sup>۱</sup>

مریم عبدالهی مقدم<sup>۲</sup>

طاهره سهرابیان\*<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۳

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه‌ی بین ابعاد هویت با رضایت از زندگی، در دانشجویان دانشگاه فرهنگیان همدان انجام شده است. گروه نمونه شامل ۲۰۰ دانشجوی (۱۲۱ دختر و ۷۹ پسر) بود که به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش از ۲ پرسشنامه‌ی ابعاد هویت (AIQ-IV) و هویت- نسخه‌ی چهارم (AIQ-IV) و مقیاس رضایت از زندگی (داینر و همکاران) استفاده شده است. داده‌ها با روش‌های آماری توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t استودنت و رگرسیون گام به گام تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان می‌دهد بین ابعاد هویت و رضایت از زندگی، رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد رضایت از زندگی، در دو گروه دختران و پسران به‌طور معناداری تنها از طریق بعد هویت فردی پیش‌بینی شدنی است؛ اما این بعد در دختران، پیش‌بینی‌کننده‌ی قویتری بوده است. در مقایسه‌ی دو جنس تفاوت معناداری بین دختران و پسران در ابعاد هویت (فردی، ارتباطی، اجتماعی و جمعی) وجود نداشت، اما در متغیر رضایت از زندگی، نمرات دختران به‌طور معناداری بیشتر از پسران بود.

**کلیدواژه‌ها:** رضایت از زندگی، ابعاد هویت، هویت فردی، هویت ارتباطی، هویت جمعی.

## مقدمه

هدف نهایی روانشناسی مثبت‌گرا شناسایی شیوه‌های افزایش بهزیستی و شادکامی انسان است. رضایت از زندگی یکی از مسائل مطرح در این رویکرد است که به بهزیستی و شادکامی فرد کمک می‌کند.

رضایت از زندگی به معنای ارزیابی کلی فرد از احساسات و نگرش‌های خود درباره زندگی در یک لحظه زمانی خاص است که به همراه عاطفه مثبت و منفی سه عنصر اساسی بهزیستی ذهنی را تشکیل می‌دهند (داینر و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۸۵). در حالی که بخش عاطفی بهزیستی روانی، ارزیابی لذت‌گرایانه‌ای است که با احساسات و عواطف هدایت می‌شود، بخش شناختی شامل ارزیابی اطلاعات مدار فرد از میزان برآورده شدن انتظارات در زندگی و شباهت آن به زندگی ایده‌آل است (ون هورن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). رضایت از زندگی برای یک زندگی ثمربخش، مؤثر و رضایت‌بخش لازم است و شامل ارزیابی شناختی فرد از وضعیت زندگی خود می‌شود (کیز و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). این مفهوم، یک ارزیابی کلی از زندگی و مبتنی بر قضاوت فردی است؛ به این معنی که فرد کیفیت زندگی خود را براساس معیارهای شخصی‌اش می‌سنجد (پاوت و داینر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳) و هرچقدر که بین خواسته‌ها و دستاوردهایش ناسازگاری کمتری وجود داشته باشد، احساس رضایت بیشتری می‌کند (داینر و همکاران، ۱۹۸۵). البته باید به این نکته توجه کرد که رضایت، یک تجربه روانشناختی است و کیفیت این تجربه ممکن است کاملاً با شرایط بیرونی زندگی مطابقت نداشته باشد (کمپل و همکاران<sup>۵</sup>، ۱۹۷۶). اگرچه افراد در زمینه مؤلفه‌های مهم یک زندگی خوب مثل سلامت و روابط موفق با یکدیگر توافق دارند، اما به این مؤلفه‌ها و زنهای متفاوتی می‌دهند (داینر و همکاران، ۱۹۸۵). افراد دارای رضایت از زندگی بالا، هیجان‌های مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند، رویدادهای مثبت بیشتری را از گذشته خود و دیگران به یاد می‌آورند و از محیط اطراف خود ارزیابی مثبتتری دارند و آن را خوشایند می‌دانند (تیم<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰).

رضایت از زندگی به دو نوع رضایت از حوزه‌های خاص مثل شغل، ازدواج، تحصیل، خانواده، دوستی، سلامت و سطح زندگی و رضایت کلی از زندگی تقسیم می‌شود (کمپل و

1. Diener et al
2. Hoom
3. Keyes et al
4. Pavot & Diener
5. Campbell et al
6. Thimm

همکاران<sup>۱</sup>، ۱۹۷۶). از آن جایی که زندگی هر فرد دارای ابعاد گوناگونی است که در هر یک عملکرد متفاوتی دارد، سطح خشنودی وی نیز در هر بعد متفاوت است. مجموع رضایت از این ابعاد که همان بخش شناختی بهزیستی را شامل می‌شود، رضایت کلی نامیده می‌شود (تسو و لیو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). رضایت از زندگی کلی، از راه ویژگی‌های شخصیتی فرد، متغیرهای شناختی اجتماعی، دنبال کردن اهداف و پیشرفت در حوزه‌های خاص زندگی پیش‌بینی می‌شود (لنت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴) و همبستگی مثبتی با احساس هویت دارد. افرادی که به احساس هویت دست یافته‌اند، سلامت روان‌شناختی بهتری دارند (آرچر<sup>۴</sup>، ۱۹۸۹).

عوامل مختلفی مثل سلامت جسمی و روانی، ویژگی‌های شخصیتی، جنسیت، سن، ازدواج، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر میزان رضایت از زندگی فرد تأثیر می‌گذارد (ونهوون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶). هویت نیز هم‌چون ساختار روانی- اجتماعی که هم شامل طرز فکرها و عقایدی می‌شود که معرف فرد است و هم نحوه ارتباط فرد با دیگران را نشان می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۹)، بر رضایت فرد از زندگی تأثیرگذار است. به عقیده هافتنلر<sup>۶</sup> (۲۰۰۶)، افرادی که هویت را براساس انگیزه‌های درونی خلق می‌کنند و براساس اهداف خود زندگی می‌کنند، رضایت بیشتری از زندگی دارند. افراد دارای حس هویت قوی، برای خود و عمل خود ارزش قائلند، از خود بیشتر مراقبت می‌کنند، بیشتر به دنبال علایق خود می‌روند و شیوه زندگی خود را با اهداف نهایی بیشتر هماهنگ می‌کنند. یافته‌های واترمن<sup>۷</sup> (۱۹۹۰) نیز نشان می‌دهد مشارکت در فعالیت‌های زندگی که با خود واقعی شخص توافقی دارد، موجب خلق حالتی از شادی درونی می‌شود.

اریکسون، از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در زمینه هویت، هویت را احساس نسبتاً پایداری از یگانگی خود، علیرغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات می‌داند (بیابانگرد، ۱۳۸۹). به نظر وی، پذیرش فردیت و ارزش خود، لازمه رسیدن به یک هویت ثابت است و برای فرد ضروری است که همانندسازی‌های گذشته، تجارب کنونی و آرزوهای آینده خود را در قالب یک احساس ثابت از خود ترکیب کند (برامنیک و سوالو<sup>۸</sup>، ۱۹۹۹).

---

1. Campbell et al

2. Tsou & Liu

3. Lent

4. Archer

5. Veenhoven

6. Huffstetler

7. Waterman

8. Bromnick, & Swallow

ساختار هویتی خوب شکل گرفته و منسجم، به فرد احساس هدفمندی می‌دهد که در تصمیم‌گیری، حل مسئله، مقابله مؤثر با الزامات زندگی روزمره و سازگاری با محیط‌های جدید کمک می‌کند (برزونسکی و کوک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). چیک و همکارانش (۱۹۸۵) به نقل از کهولت و جوکار (۱۳۹۱)، محتوای هویت را شامل سه جنبه از هویت می‌دانند: هویت شخصی، اجتماعی و جمعی. هویت شخصی از طریق نقش ارزش‌ها، باورها، هیجان‌ها و اهداف در شکل گرفتن هویت بررسی می‌شود. تمرکز هویت اجتماعی به خود در ارتباط با دیگران، محبوبیت، شهرت، جذابیت و اعتبار فرد استوار است. بعد دیگر یعنی هویت جمعی به جنبه‌هایی از خودپنداره اشاره می‌کند که با زمینه قومی- نژادی، مذهب، احساس تعلق به جامعه و نظایر آن در ارتباط است. چیک و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) بعداً جنبه دیگری از هویت را به نام هویت ارتباطی اضافه میکنند که به یک دوست خوببودن برای کسانی که فرد واقعاً به آنان ابراز علاقه می‌کند، اشاره دارد.

هویت فردی بخشی از شخصیت است که به فرد فرصت می‌دهد وضعیت خود را نسبت به جهان و سایر انسان‌ها مشخص کند. فرد دارای هویت، نظام ارزشی معینی دارد که در آن بایدها و نبایدها و خوبی‌ها و بدی‌ها مشخص شده است. در واقع، هویت فردی یک بینش درونی است از این که فرد چیست و چه می‌خواهد. ترنر<sup>۳</sup> (۱۹۸۷) معتقد است هویت فردی، بعدی از خودپنداره شخص است و هویت وی براساس اینکه یک موجود منحصر به فرد است که در یک اجتماع بزرگتر زندگی می‌کند شکل می‌گیرد. به نظر وی، هویت فردی و جمعی، هر دو به هم وابسته‌اند (به نقل از می ویلی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). از نظر جنکینز<sup>۵</sup> (۱۳۸۱) هویت اجتماعی به درک فرد از اینکه چه کسی است و دیگران کیستند و از طرف دیگر به درک دیگران از خودشان و دیگران اشاره می‌کند. وی مفاهیم «هویت اجتماعی» و «هویت» را مترادف می‌داند. به عقیده وی، همه هویت‌های انسان به یک معنا، هویت اجتماعی‌اند.

فینی<sup>۶</sup> (۱۹۹۲) هویت قومی را بخشی از خودپنداره فرد می‌داند که حاصل آگاهی و بینش فرد از عضویت در یک گروه اجتماعی است و این آگاهی همراه با اهمیت عاطفی و ارزش

1. Berzonsky, M. D., & Kuk

2. Cheek et al

3. Turner

4. Mivilli

5. Jenkins

6. Phinney

قائل شدن برای آن گروه است. اجزای هویت قومی و جمعی عبارتند از: ۱) احساس تعلق و همبستگی با گروه که با غرور قومی و ملی مشخص می‌شود، ۲) رفتارها و تجربیات خاص آن گروه، ۳) اعتقاد و تعهد به اهداف گروه و قومیت افراد (به نقل از دابو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰).

در زمینه تفاوت‌های جنسیتی در رشد و شکل‌گیری هویت، اریکسون اعتقاد داشت که تحول هویت در زنان و مردان متفاوت است. نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که شکل‌گیری هویت دختران و پسران در دوره نوجوانی و بعدها در بزرگسالی با یکدیگر تفاوت دارد. شکل‌گیری هویت دختران نه تنها در جهت استقلال شخصی، برای همکاری و صمیمیت و مراقبت از دیگران نیز هست؛ در حالی که هویت پسران به منظور استقلال و رقابت و حفظ فردیت شکل می‌گیرد (لطف‌آبادی، ۱۳۷۹). به عقیده ربرت و رینز<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) مردان و زنان در تعقیب اهداف مهم زندگی و نحوه کسب هویت با یکدیگر تفاوت دارند؛ به نظر مردان تعقیب اهداف اقتصادی مهمتر است؛ در صورتی که زنان تعقیب اهداف اجتماعی را مهمتر می‌دانند. این تفاوت‌ها حاکی از آن است که مردان بیشتر به کسب مقام و موقعیت اهمیت می‌دهند؛ ولی زنان بیشتر در پی به دست آوردن مقبولیت اجتماعی هستند. همچنین اهداف مرتبط با رشد شخصی برای زنان مهمتر از مردان است؛ اما در مطالعات واترمن (۱۹۸۵)، در بعضی از جنبه‌های هویت، تفاوتی بین نوجوانان دختر و پسر دیده نمی‌شود. بررسی وی نشان می‌دهد به طور کلی هر دو جنس در سطح دانشگاه و دبیرستان از الگوهای مشابه شکل‌گیری هویت پیروی می‌کنند. آرچر (۱۹۹۲) نیز پس از بررسی تحقیقات موجود نتیجه می‌گیرد که تفاوت‌های جنسی در نوع هویت، بیشتر حالت استثناء دارد تا قانون، به عقیده وی جریان تشکیل هویت در دختران احتمالاً به دلیل موانع خارجی یا محیطی از پسران مشکل‌تر است. نتایج مطالعه لویس<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) نشان می‌دهد مردان دانشجو بیش از زنان درباره هویت خود دچار سردرگمی و آشفتگی هستند. دستیابی به هویت، از تکالیف اصلی دوران نوجوانی محسوب می‌شود؛ اما امروزه به دلیل پیچیدگی‌های زندگی، طولانی‌تر شدن دوران تحصیلات و وجود مشکلات در رسیدن به استقلال اقتصادی دوره نوجوانی الزاماً طولانی‌تر شده است. به همین دلیل، استقلال اقتصادی دیرتر حاصل شده و جدایی از والدین و تشکیل زندگی مستقل با تأخیر زیاد حاصل می‌شود (لطف‌آبادی، ۱۳۷۹). نتایج برخی مطالعات مانند (واترمن، ۱۹۸۵ / آرچر، ۱۹۸۹) از نظریه مارسیا

1. Dubow

2. Robert. & Robens

3. Lewis,

مبنی بر اینکه هویت اساساً بین سنین ۱۸-۲۲ سالگی تشکیل می‌شود، حمایت می‌کنند؛ یعنی سنی که دانشگاه به دلیل در اختیار گذاشتن فرصت‌های رشد شناختی و روانی، محیط سازنده‌ای برای رشد هویت فراهم می‌آورد.

نظر به اینکه دانشجویان، آینده‌سازان این کشور هستند و به‌خصوص دانشجویان دانشگاه فرهنگیان که تربیت نسل آینده را بر عهده خواهند داشت و با توجه به اهمیت رضایت از زندگی در پیشرفت تحصیلی، ایجاد روابط معنادار و صمیمانه (مارسیا و فریدمن، ۱۹۷۰) و انگیزه تحصیلی (رندازو و کاری، ۲۰۰۱) و سلامت روانی بیشتر (آرچر، ۱۹۸۹)، لازم است عوامل مرتبط با رضایت از زندگی این قشر به طور خاص بررسی شود. هم‌چنین با توجه به اینکه پژوهشی در زمینه رابطه بین هویت و رضایت از زندگی دانشجویان در منابع داخلی یافت نشد، این مطالعه به بررسی رابطه ابعاد هویت و رضایت از زندگی در زنان و مردان می‌پردازد. سرانجام به دلیل وجود برخی شواهد مبنی بر تفاوت‌های جنسیتی در شکل‌گیری هویت و با توجه به منابع نظری موجود در این پژوهش، نقش جنسیت در رابطه بین هویت و رضایت از زندگی بررسی می‌شود.

#### پرسش‌های پژوهش

- ۱- آیا بین رضایت از زندگی دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۲- آیا بین دختران و پسران در ابعاد مختلف هویت (هویت شخصی، ارتباطی، اجتماعی و جمعی) تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۳- آیا بین ابعاد هویت و رضایت از زندگی ارتباط معناداری وجود دارد؟
- ۴- کدامیک از ابعاد هویت نقش تعیین‌کننده‌تری در پیش‌بینی رضایت از زندگی در دختران دارد؟
- ۵- کدامیک از ابعاد هویت، نقش تعیین‌کننده‌تری در پیش‌بینی رضایت از زندگی در پسران دارد؟

#### روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مقطع

کارشناسی رشته‌های موجود در دانشگاه فرهنگیان همدان در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بود. تعداد ۲۰۰ نفر از دانشجویان شامل ۱۲۱ دختر و ۷۹ پسر به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند.

### ابزار سنجش

در این پژوهش از پرسشنامه‌های ابعاد هویت و رضایت از زندگی استفاده شد.

**الف) پرسشنامه ابعاد هویت:** در این مطالعه از ابعاد هویت، نسخه چهارم - AIQ-IV<sup>۱</sup> طراحی شده چیک و همکاران (۲۰۰۲) استفاده شده است. این پرسشنامه ۴۵ گویه دارد که چهار بعد هویت را می‌سنجد: هویت شخصی (۱۰ ماده)، هویت ارتباطی (۱۰ ماده)، هویت اجتماعی (۷ ماده) و هویت جمعی (۸ ماده)؛ به ۱۰ گویه نیز امتیاز خاصی تعلق نمی‌گیرد. هر گویه روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از برایم مهم نیست (۱)، کمی برایم مهم است (۲)، تا حدودی برایم مهم است (۳)، برایم خیلی مهم است (۴) و فوق‌العاده برایم مهم است (۵) نمره‌گذاری می‌شود. در این پژوهش، پایایی ابزار یادشده از طریق آلفای کرونباخ به این صورت محاسبه شده است: هویت فردی (۰/۸۵)؛ هویت ارتباطی (۰/۷۸)؛ هویت اجتماعی (۰/۸۱) و هویت جمعی (۰/۸۲).

پرسشنامه رضایت از زندگی  $swls$ : این مقیاس را دینر و همکاران (۱۹۸۵) تهیه کرده‌اند و شامل ۵ گزاره می‌شود که هر گزاره از ۷ گزینه تشکیل شده است و از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. بیانی و همکاران (۱۳۸۶)، اعتبار این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. روایی سازه این، نیز از طریق روایی همگرا با استفاده از فهرست شادگامی آکسفورد و فهرست افسردگی بک برآورد شد و در مجموع آن را یک مقیاس مفید برای پژوهش‌های روان‌شناختی ایرانی معرفی کرده‌اند. در این پژوهش، پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۳ محاسبه شده است.

### یافته‌ها

در این مطالعه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از میانگین و انحراف استاندارد، ضریب

1. Aspects of Identity Questioner-IV

2. Satisfaction With Life Scale

همبستگی پیرسون، آزمون t استودنت و رگرسیون گامبه گام استفاده شده است. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مطالعه شده در این مطالعه، به تفکیک جنسیت در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای بررسی شده به تفکیک جنسیت

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	T	Sig
رضایت از زندگی	پسر	۲۱/۷۵	۵/۴۲	-۲/۴۸	۰/۰۱
	دختر	۲۳/۶۵	۵/۲۳		
	کل	۲۲/۹۳	۵/۳۰		
هویت شخصی	پسر	۳۹/۵۲	۵/۹۶	-۱/۶۰	۰/۱۱
	دختر	۴۰/۹۸	۶/۵۰		
	کل	۴۰/۲۴	۶/۲۸		
هویت ارتباطی	پسر	۳۷/۷۳	۵/۸۷	-۰/۲۱	۰/۸۳
	دختر	۳۷/۹۱	۵/۷۴		
	کل	۳۷/۶۰	۵/۸۴		
هویت اجتماعی	پسر	۲۵/۰۸	۴/۲۷	۱/۲۹	۰/۱۹
	دختر	۲۵/۳۵	۴/۱۶		
	کل	۲۵/۱۵	۴/۱۳		
هویت جمعی	پسر	۲۸/۳۲	۴/۹۷	-۰/۲۸	۰/۴۷۸
	دختر	۲۷/۳۴	۵/۳۵		
	کل	۲۷/۵۶	۵/۲۲		

همان گونه که در جدول بالا دیده می شود، بین نمرات دختران و پسران در متغیر رضایت از زندگی تفاوت معناداری وجود دارد؛ ولی در زمینه متغیرهای هویت شخصی، هویت ارتباطی، هویت اجتماعی و هویت جمعی تفاوت معناداری بین دو گروه به دست نیامده است.

با توجه به نقش و اهمیت رابطه میان متغیرهای بررسی شده در این پژوهش، نخست لازم است همبستگی این عوامل را با استفاده از یک ماتریس همبستگی بررسی شود.



جدول ۲: ماتریس همبستگی ابعاد هویت و رضایت از زندگی

متغیرها متغیرها	رضایت از زندگی	هویت شخصی	هویت ارتباطی	هویت اجتماعی	هویت جمعی
رضایت از زندگی	۱	۰/۴۴	۰/۲۸	۰/۲۶	۰/۲۸
هویت شخصی	-	۱	۰/۶۱	۰/۵۵	۰/۵۳
هویت ارتباطی	-	-	۱	۰/۵۱	۰/۵۰
هویت اجتماعی	-	-	-	۱	۰/۵۰
هویت جمعی	-	-	-	-	۱

همان‌گونه که در جدول ۲ می‌بینیم، ارتباط معناداری میان مؤلفه‌های هویت و رضایت از زندگی وجود دارد. بر این اساس، میزان ارتباط رضایت از زندگی با ابعاد هویت یعنی هویت شخصی، هویت ارتباطی، هویت اجتماعی و هویت جمعی به ترتیب برابر است با ۰/۴۴، ۰/۲۸، ۰/۲۶، ۰/۲۸ و تمامی این ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند.

در این پژوهش به منظور پیش‌بینی میزان رضایت از زندگی، براساس ابعاد هویت از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

جدول ۳: رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام به منظور پیش‌بینی میزان رضایت از زندگی براساس ابعاد هویت برای کل گروه نمونه

گامها	متغیر وارد شده	B	Beta	F	sig	R	R <sup>2</sup>
گام اول	هویت شخصی	۰/۳۸	۰/۴۴	49/98	0/001	۰/۴۴	۰/۱۹

همانطور که در جدول ۳ آمده است، نتایج آزمون F نشانگر معناداری مدل کلی پیش‌بینی میزان رضایت از زندگی براساس ابعاد هویت است (sig=0/001 و f=49/98).

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام به گام نشان می‌دهد متغیر هویت شخصی با ضریب بتای حدوداً ۰/۴۴ و در سطح ۰/۰۰۱ رابطه معنادار مثبتی با رضایت از زندگی دارد. به عبارت دیگر، هرچه فردی دارای هویت شخصی منسجم‌تری باشد، میزان رضایت وی از زندگی نیز افزون‌تر است. با توجه به R<sup>2</sup>، بُعد هویت شخصی می‌تواند ۱۹ درصد از تغییرات متغیر رضایت از زندگی را تبیین کند. سایر ابعاد هویت، شرایط ورود به معادله را نداشتند و از معادله حذف شدند.

جدول ۴. تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس ابعاد هویت در گروه جنسی پسران

گام	متغیر وارد شده	B	Beta	F	Sig	R	R <sup>2</sup>
گام اول	هویت شخصی	0/39	0/43	17/10	0/001	0/43	۷۰/۱

بر اساس آنچه در جدول ۴ آمده است، در نمونه آماری پسران، نتایج آزمون F نشان‌دهنده معناداری مدل پیش‌بینی میزان رضایت از زندگی براساس ابعاد هویت است ( $\text{sig} = 0/001$  و  $f = 17/10$ ).

بررسی میزان تأثیر ابعاد هویت بر روی میزان رضایت از زندگی در گروه جنسی پسران با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام در جدول ۴ مشخص می‌کند که متغیر هویت شخصی با ضریب بتای حدوداً  $0/43$  و در سطح  $0/001$  بر رضایت از زندگی دارای تأثیری مثبت است. به عبارتی، در بین گروه جنسی پسران، هرچه هویت شخصی مستحکم‌تر باشد، میزان رضایت از زندگی نیز بیشتر خواهد بود. در مجموع، با توجه به  $R^2$  متغیر هویت شخصی در بین پسران می‌تواند ۱۷ درصد از تغییرات متغیر رضایت از زندگی را تبیین کند. سایر ابعاد هویت به دلیل نداشتن توان پیش‌بینی، شرایط ورود به معادله را نداشتند و از معادله حذف شدند.

جدول ۵. تحلیل رگرسیون چندگانه به‌منظور پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس ابعاد هویت در جنس دختران

گام ها	متغیر وارد شده	B	Beta	F	Sig	R	R <sup>2</sup>
گام اول	هویت شخصی	0/38	0/47	33/16	0/001	0/47	۰/۲۱

همان‌طور که در جدول ۵ آمده است، در گروه جنسی دختران، نتایج آزمون F نشان می‌دهد که مدل کلی پیش‌بینی میزان رضایت از زندگی براساس ابعاد هویت در این گروه جنسی معنادار است ( $\text{sig} = 0/001$  و  $f = 33/16$ ).

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام در جدول ۵ مشخص می‌کند که متغیر هویت شخصی با ضریب بتای حدوداً  $0/47$  و در سطح  $0/001$  بر رضایت از زندگی در این گروه جنسی تأثیری مثبت دارد. به عبارت دیگر، هویت جنسی منسجم‌تر موجب سطح بالاتر

رضایت از زندگی می‌شود. در مجموع، متغیر هویت شخصی میتواند ۲۱ درصد از تغییرات متغیر رضایت از زندگی را تبیین کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هویت به‌عنوان یک ساختار روانی اجتماعی که هم شامل طرز فکرها و عقایدی می‌شود که معرف فرد است و هم نحوه ارتباط فرد با دیگران را نشان می‌دهد، بر رضایت فرد از زندگی تأثیرگذار است. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین ابعاد هویت و رضایت از زندگی در دانشجویان دختر و پسر بوده است.

در پاسخ به پرسش اول این پژوهش که آیا بین رضایت از زندگی دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد، نتایج نشان می‌دهد تفاوت بین دو گروه معنادار است و دختران رضایت از زندگی بیشتری نسبت به پسران دارند و این یافته با نتایج گودرزی (۱۳۸۴)، دینر و همکاران (۱۹۹۹)، بارت و همکاران (۲۰۰۵)، ولوا و همکاران (۲۰۰۴) همخوانی دارد. از سوی دیگر، برخی تحقیقات دیگر در مقایسه رضایت از زندگی دانشجویان دختر و پسر نشان می‌دهد که بین رضایت از زندگی دو جنس تفاوت معناداری وجود ندارد، مثل شیخی و همکاران (۱۳۸۹)، قهرمانی و سیدمیرزایی (۱۳۸۸)، شاهینی و همکاران (۱۳۹۱). علت این نتایج به‌ظاهر متناقض را شاید بتوان اینطور تبیین کرد که گروه نمونه این پژوهش را دانشجویان دانشگاه فرهنگیان هستند که از نظر محیط تحصیلی و فرهنگی و فرصت‌های شغلی در آینده، جامعه متفاوتی از سایر دانشجویان به نظر می‌رسد و هم اینکه دانشجویان دختر با ورود به دانشگاه فرهنگیان، معمولاً از نظر پیدا کردن شغل، انتخاب دانشگاه و... راضی‌تر از دانشجویان پسر می‌باشند، که خود این مسئله رضایت از زندگی را به طور کلی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتایج آزمون t در پاسخ به پرسش دوم نشان می‌دهد بین دانشجویان دختر و پسر در ابعاد هویت، رابطه معناداری وجود ندارد. در مطالعاتی جوکار و لطیفیان (۱۳۸۵)، در بعضی از جنبه‌های هویت، تفاوتی بین نوجوانان دختر و پسر دیده نشده است. آرچر (۱۹۹۲) نیز پس از بررسی تحقیقات موجود نتیجه می‌گیرد تفاوت‌های جنسیتی در نوع هویت، بیشتر حالت استثناء دارد تا قانون؛ به عقیده وی جریان تشکیل هویت در دختران احتمالاً به دلیل موانع خارجی یا محیطی از پسران مشکل‌تر است. اما نتایج برخی پژوهش‌ها مثل موسوی و همکاران (۱۳۹۰)، دارابی (۱۳۸۳)، شکرکن و همکاران (۱۳۸۰) تفاوت معناداری بین

پسران و دختران در هویت دینی و اعتقادی نشان می‌دهد. نتایج متفاوت می‌تواند به علت ناهمگن بودن گروه‌ها و همچنین بافت فرهنگی و دینی تقریباً همگن دانشجویان دانشگاه فرهنگیان باشد.

تشکیل هویت که یکی از مسئولیت‌های دشوار دختران و پسران محسوب می‌شود، از سال‌های قبل از ورود به دانشگاه شروع می‌شود و گاهی تا سال‌های تحصیل یا حتی بعد از آن هم به طول می‌کشد. در شکل‌گیری ابعاد هویت شخصی، جمعی، اجتماعی و ارتباطی در این دو جنس ظاهراً تفاوتی مشاهده نمی‌شود و این نشان می‌دهد که این جریان، رشد مشابهی در این دو دارد. به عبارت دیگر، «من کیستم»، «من در ارتباط با دیگران، جامعه، نژاد، مذهب و قومیت خود چه نقشی دارم» و... هم در پسران و هم در دختران به یک صورت طی و پاسخ داده می‌شود.

در زمینه پرسش سوم مبنی بر رابطه بین ابعاد هویت و رضایت از زندگی، نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین این متغیرها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. میکائیلی (۱۳۸۹)، هافتنلر (۲۰۰۶) و امین (۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که میان هویت و رضایت از زندگی نوجوانان و جوانان دانشگاهی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. فلپز و همکاران (۱۹۹۶) نیز از پژوهش خود نتیجه گرفتند دانشجویانی که حس هویت نژادی رشدیافته‌تری دارند، بیشتر شادی را با هم اتاقی‌های خود تقسیم می‌کنند. به نظر می‌رسد که تشکیل هویت موفق با پیشرفت تحصیلی، ایجاد روابط معنادار (مارسیا و فریدمن، ۱۹۷۰)، شیوه مقابله انعطاف‌پذیر (مارسیا، ۱۹۶۶)، انگیزه تحصیلی (رندازو و کاری، ۲۰۰۱) و سلامت روانی بیشتر (آرچر، ۱۹۸۹) رابطه دارد. این نتایج نشان می‌دهد که شیوه پاسخ به سؤال‌هایی که در دامنه تشکیل ابعاد هویت قرار می‌گیرند، نقش بسیار مهمی در رضایت از زندگی دارد و در اصل هویت‌یابی در زندگی یعنی ایجاد رضایت از زندگی، دانشجویانی که در تشکیل هویت، موفق عمل کرده‌اند، نسبت به دانشجویانی که ناموفق بوده‌اند، رضایت از زندگی بیشتری را تجربه می‌کنند. به عبارت دیگر، آنها ارزیابی شناختی بهتری از زندگی‌شان دارند. از طرف دیگر، به این دلیل که دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، چالش یافتن شغل- به عنوان بخشی از هویت- را ندارند در مقایسه با دانشجویان دانشگاه‌های دیگر که عامل یافتن شغل، مانعی در شکل‌گیری هویت موفقشان می‌شود، به نظر می‌رسد که راحت‌تر و زودتر جریان هویت‌یابی را طی می‌کنند.

اما در زمینه پرسش چهارم و پنجم، نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان می‌دهد که در هر دو جنس، تنها بُعد هویت شخصی می‌تواند رضایت از زندگی را پیش‌بینی کند؛ ولی در گروه دختران این بعد پیش‌بینی‌کننده قویتری است. در همین زمینه، غضنفری (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای بهزیستی دانشجویان پسر و دختر برحسب ارزیابی از هویت» نتیجه می‌گیرد بین هویت فردی و بهزیستی روانی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج مطالعه داینر و داینر (۲۰۰۳)، به نقل از غضنفری، (۱۳۸۵) نیز نشان می‌دهد که بین بهزیستی روانی و احترام به خود فردی در بین ۳۱ کشور مطالعه‌شده، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد افرادی که حس هویت بیشتری دارند، از نظر روانی سالم‌ترند و رضایت کلی بیشتری دارند. این افراد انرژی و شور و شوق بیشتری برای ایجاد یک محیط شاد دارند و میتوانند خود را با هر محیطی سازگار کنند (هافتنلر، ۲۰۰۶).

در پایان، با توجه به رابطه هویت به‌ویژه هویت شخصی با رضایت از زندگی در دانشجویان پیشنهاد می‌شود که دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت اهتمام بیشتری نسبت به رشد هویت شخصی دانشجویان داشته باشند و با کمک‌گرفتن از صاحب‌نظران و متخصصان در حوزه تعلیم و تربیت و برگزاری کارگاه‌های آموزش مهارت‌های زندگی با محوریت خودآگاهی، به تصریح ارزش‌ها و شناخت هرچه بیشتر آنان از نقاط ضعف و قوت خود کمک کنند. همچنین با توجه به این که دانشجویان این پژوهش برای برعهده گرفتن شغل معلمی تربیت می‌شوند، می‌توان در آینده از دوره‌های ضمن خدمت برای آموزش هویت‌یابی و رفع موانع و مشکلات مرتبط با بحران هویت آنان استفاده کرد؛ زیرا معلمی می‌تواند دانشجویان را در جهت کشف و تحقق هویت یاری رساند که خود قبلاً به هویت موفق دست یافته باشد. از طرف دیگر، وجود مشاوران موفق و کارآمد در اینگونه دانشگاه‌ها به رفع مشکل دانشجویان در حوزه هویت‌یابی کمک می‌کند.

### منابع

- احمدی، احمد (۱۳۸۹). روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، تهران: نشر مشعل.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۹). روان‌شناسی نوجوانان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بیانی، علی‌اصغر؛ کوچکی، عاشورمحمد؛ گودرزی، حسنیه (۱۳۸۶). اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی (SWLS).
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. یاراحمدی، تورج (مترجم)، تهران: نشر شیرازه.
- جوکار، بهرام؛ و لطیفیان، مرتضی (۱۳۸۸). «رابطه ابعاد هویت و جهت‌گیری هدف در گروهی از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستان‌های شیراز و یاسوج»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۵، شماره ۴: ۴۸-۲۸/۲۸-۴۸.
- دارابی، جعفر (۱۳۸۳). بررسی و تعیین نوع هویت فردی، ملی و مذهبی در نوجوانان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- سیدمیرزایی، سیدمحمد؛ قهرمان، آرش (۱۳۸۸). «بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های اجتماعی رضایت از زندگی در بین دانشجویان نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد». *دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی* (سال ۶، شماره ۲۵-۱۱-۲۵).
- شاهینی، نجمه؛ آسایش، حمید؛ قبادی، مهرداد؛ و صادقی، جواد (۱۳۹۱). «بررسی همبستگی حمایت اجتماعی، احساس تنهایی و رضایت از زندگی»، *مجله پژوهنده*، سال ۱۷، شماره ۶، ۳۰۶-۳۰۲/۳۰۲-۳۰۶.
- شکرکن، حسین؛ نجاریان، بهمن؛ امیدیان، مرتضی (۱۳۸۰). «بررسی هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین‌فردی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید چمران»، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، دوره ۸، شماره ۲، ۷۳-۹۴: ۷۳-۹۸.
- شیخی، منصوره؛ هومن، حیدرعلی؛ احدی، حسن؛ سیاه‌منصور، مژگان (۱۳۸۹). «مشخصه‌های روانسنجی مقیاس رضایت از زندگی»، *فصلنامه تازه‌های روانشناسی صنعتی سازمانی*، سال اول، شماره ۴، ۷-۲۴: ۷-۲۵.
- غضنفری، فیروزه (۱۳۸۵). «بررسی مقایسه‌ای بهزیستی دانشجویان دختر و پسر برحسب ارزیابی از هویت اجتماعی و فردی»، *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، سال هشتم، شماره ۳۲: ۱۳۰-۱۲۳، ۱۲۳-۱۳۰.
- کھولت، نعیمه؛ جوکار، بهرام (۱۳۹۱). «ارائه مدل علی برای شادی براساس ابعاد هویت با واسطه جهت‌گیری هدف»، *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، سال ۱۳، شماره ۲: ۹۴-۸۱/۸۱-۹۴.
- گودرزی، محمود؛ حمایت‌طلب، رسول (۱۳۸۴). «مقایسه میزان شادکامی دانشجویان دختر و پسر

دانشگاه تهران»، نشریه حرکت، شماره ۲۵، ۵۲-۲۳/۲۳-۵۲.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۷۹). روانشناسی رشد (۲)، تهران: انتشارات سمت.

میکائیلی، فرزانه (۱۳۸۹). «بررسی رابطه هویت با رضایت از زندگی در نوجوانان و نقش عملکرد خانواده». فصلنامه خانواده و پژوهش- پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سال ۷، شماره ۲: ۱۲۴-۱۰۳.

Archer, S. L. (1989). The status of identity: Reflections on the need for intervention. *Journal of Adolescence*, 12(4), 345-359.

Archer, S. L. (1992). 'A feminist s approach to identity research ' In G. R. Adams, T. P. Gullotta & R. Montemayor (Eds), *Adolescent identity formation* (Advances in adolescent development, vol 4). Newbury park, CA: Sage.

Berzonsky, M. D. & Kuk, L. S. (2005). Identity styles, psychological maturation, and cademic performance. *Personality and Individual Differences*, N 39, p. 237- 247.

Bromnick, R. D.; Swallow, B. L. (1999). I like being who am i: A study of young peoples' Educational Studies (Carfau Publishing), Jul 99. Vol. 25.Issue 2 , P 117, 12 P, 4 Charts.

Campbell, A.; P. E. Converse & W. L. Rodgers (1976). *The Quality of American Life*

New York: Russel Sage Foundation

Cheek, J. M.; Smith, S. & Tropp, L.R. (2002). Relationa identity orientation: A Fourth scale for AIQ. *Annual Meeting of Society for Personality and Social Psychology, Boston*.

Diener, E.; Suh, E.M.; Lucas, R.E. & Smith, H. (1999). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, 125(2), 276-302

Diener, E.; Emmons, R.; Larsen, R. & Griffin, S. (1985). The Satisfaction with Life Scale. *Journal of Personality Assessment*, Vol. 49, pp. 71-750.

Dubow, E. F. (2000).Initial Investigation of Jewish Early Adolescents' Ethnic Identity, Stress and Coping. *Journal of Early Adolescents*, Nov 2000,Vol 20, Issue 4, P 418, 24P.

Huffstetler, Beverly Carol, *Sense of Identity and Life Satisfaction in College Students*. PhD diss., University of Tennessee, 2006. [http://trace.tennessee.edu/utk\\_graddiss/1684](http://trace.tennessee.edu/utk_graddiss/1684).

Keyes, C. L. M.; Shmotkin , D. & Ryff, C. D. (2002). Optimizing well-being: The empirical encounter of two traditions. *Journal of Personality and*

*Social Psychology*, 82 (6), 1007-1022

- Lent, R. W. (2004). Toward a unifying theoretical and practical perspective on well-being and psychosocial adjustment *Journal of Counseling Psychology*, 51, 482-509.
- Lewis, H. L. (2003). Differences in Ego Identity among College Students across Age, Ethnicity, and Gender. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3, 159-189.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- Marcia, J. E. & Friedman, M. L. (1970). Ego identity status in college women. *Journal of Personality*, 38, 249-263.
- Berzonsky, M. D. & Kuk, L.S, (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance, *Personality and Individual Differences*, 39.
- Mivilli, M. L. (2000). Exploring the Relationship between Racial-Cultural Identity and Ego identity Among African American and Mexican American. *Journal of Multicultural Counseling and Development*, Oct 2000, Vol 28, Issue 4, P 208, 17P. 3 charts.
- Murphy, J. G.; McDevitt-Murphy, M. E. & Barnett, N. P. (2005). Drink and be merry? Gender, life satisfaction and alcohol consumption among college students. *Psychology of Addictive Behaviors*, 19(2), 184-191.
- Pavot, W. & Diener, E. D. (1993) . Review of Satisfaction with Life Scale. *Psychological Assessment* , 2.164-172.
- Phelps, R.E.; Potter, C.G.; Slavich, R. & Day, J. F. (1996). Roommate satisfaction and ethnic pride in same-race and mixed-raced university roommate pairs. *Journal of College Student Development*, 37(4), 377-388.
- Randazzo, M. & Carrie, F. (2001). Ethnic identity, personality, and academic achievement: A study of cultural and psychological factors affecting success in college (Doctoral dissertation, California School of Professional Psychology, 2001). *Dissertation Abstracts International*, 61(11-B), 6175.
- Robert, B. W. & Robens, R.W.(2000)TheIntersection of Personality Tiriates



- and Major Life Goals. *Personality and Social Psychology Bulletin*, Oct 2000, Vol 26, Issue 10. P 1284-13P.
- Tsou, M. & Liu, J. (2001). Happiness and domain satisfaction in Taiwan. *Journal of Happiness Studies*, 2, 269–288.
- Thimm, J.C. (2010). Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 41, 383–380
- Valois, R.F.; Zullig, K.J. & Drane, J.W. (2004). Physical activity behaviors and perceived life satisfaction among public high school adolescents. *Journal of School Health*, 74(2), 59–65.
- Van Hoorn, Andre (2007). A Short Introduction to Subjective Well-Being: Its Measurement, Correlates and Policy Uses. Background paper prepared for OECD Conference on Measuring Progress of Societies. Istanbul, June 27–30.
- Veenhoven, R. (1996). *The Study of Life Satisfaction*, In: Saris, W.E., Veenhoven, R., Scherpenzeel, A.C. & Bunting, B., (eds) *A Comparative Study of Satisfaction with Life in Europe*. Eotvots University Press, pp. 11–48.
- Waterman, A. S. (1985). Identity in the context of adolescent psychology. In A. Waterman (Ed.), *Identity in adolescence: Processes and contents* (pp. 5–24). San Francisco: Jossey-Bass.
- Waterman, A. S. (1990). Personal expressiveness: Philosophical and psychological foundations. *Journal of Mind and Behavior*, 11(1), 47–73.